



## ارزیابی اوضاع سیاسی کنونی و تاکتیکهای ما

داشتند و در جریان انقلاب به مراکز حور و ستم رژیم سلطنتی حمله بردند و آنها را بمیران قابل توجهی متلاشی ساختند، با ریگها درخشا یا نیا بریسا داشتند، شوراها تشکیل دادند، کارخانه‌ها را در اختیار گرفتند، بخشی از زمینهای بزرگ مالک را مصادره کردند، توده‌ها مسلح شدند و دست خویش برای تحقق دمکراسی تلاش کردند و میرونیستیان خواستهای خود را در جریان انقلاب برحای گذاشتند. خصلت دمکراتیک، فدا میربا لیسنی وضد سرمایه داری انقلاب، در رویداد عینی مبارزه انقلابی توده‌ها و شعرا را می‌توانیم مورد پذیرش توده‌ها قرار می‌گیریم - گرفت بطور برجسته‌ای نمایان می‌شود و اقدامات مستقل و انقلابی توده‌ها منجلی می‌گردد. علی‌رغم خواست رهبران سازشکار که تلاش می‌کردند مبارزات توده‌ها را در جارجوب تنگ منافع طبقاتی و نسبی خویش محدود و محصور سازند، مبارزه توده‌ای این محدوده‌ها را در نورددید و در راستای نابودی نظام موجود، درهم شکستن ماشین دولتی بوروکراتیک و نظامی، سلب مالکیت از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، استقرار آزادیهای سیاسی و حقوقی دمکراتیک توده‌ها و نابودی سلطه امپریالیسم جهت گیری کرد.

گسترش سریع خواستها و شعرا را می‌توانیم که از جانب نیروهای جبا انقلابی بویژه سازمان فدائی مطرح گردید و در کلیت خود را می‌توانیم که خاصیت دمکراتیک، فدا میربا لیسنی وضد سرمایه داری بود، در میان توده‌ها که در مناطقی نظیر ترکمن صحرا منحصر به حاکمیت منطقه‌ای شوراها یا انقلابی، سلب مالکیت بقیه در صفحه ۶

بیش از شش سال و نیم از انقلاب بهمن ماه می‌گذرد. انقلابی که از نظر عمق و دامنه اش در تاریخ جنبش‌ها بی‌سابقه می‌باشد. توده‌های میلیونی در جنبش انقلابی یک‌جا با اعتلا سال ۶۰ آغاز گردید، وسیعاً شرکت داشتند و در نقطه اوج جنبش انقلابی توده‌ای در ۲۲ بهمن با قیام توده‌ها رژیم سلطنتی سرنگون گردید. انقلاب بهمن، انقلابی توده‌ای بود که اکثریت کارگران و زحمتکشان فعالان در آن شرکت

### طرحی برای خود مختاری در کردستان

ایران کشور است کثیرالمله که خلقهای مختلفی در آن سکونت دارند. خلقهای فارس، کرد، ترک، عرب، ترکمن و بلوچ ملیتهای اصلی ما کن ایران هستند. بجز خلق فارس سایر خلقهای ایران از دیرباز تحت ستم ملی و نژادی و نژادپرستانه داشته و هویت ملی و تاریخی شان توسط نژادپرستان حاکم انکار گردیده، از حقوق ملی - دمکراتیک خویش محروم می‌باشند.

حل مسئله ملی و رفع ستم از خلقهای تحت ستم و تحقق خواست حق تعیین سرنوشت آنها، یکی از مسائل مهم انقلاب ایران است. موضع اصولی مارکسیستی - لنینیستی در مقابل مسئله ملی، شناسایی بی‌قید و شرط حق ملل در تعیین سرنوشت خویش است. حق تعیین سرنوشت بدین معنی است که خلقهای حق دارند آزادانه و بشکل دمکراتیک سرنوشت خویش را مستقلانه تعیین کرده باشند. بقیه در صفحه ۵

### ضرورت سازماندهی کمیته‌های مخفی کارگری

#### وضعیت جنبش کارگری

طی ۶ سال و نیم گذشته، سترسین اهرمهای فشار رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بر کرده کارگران سنگینی کرده است. رژیم برای درهم کوبیدن جنبش کارگری از هیچ جنایتی دریغ نکرده است. از اخراج، دستگیری و اعدام بعد از رسیدن کارگران به نیروهای مسلح و غیره تا سرانجام کورگی گرفته تا طرح و اجرای توطئه‌های گوناگون برای تلاش و از هم پاشیدن شوراها و دیگر تشکیلاتی مستقل کارگری که از دل قیام توده‌ای سال ۵۷ سر بر آورده بودند، از طرح و ترویج لواط و قوا سن ارجاعی نظیر " قانون کار اسلامی " و " قانون شوراها " بقیه در صفحه ۴

مبارزات کارگری در ایران، از آغاز تا کنون روند دشوار و پیچیده‌ای را طی کرده است. کارگران ایران برای دستیابی به مطالبات صنفی و سیاسی خود، اشکال متنوعی از تشکیلات کارگری نظیر سندیکا، اتحادیه، شورا، کمیته مخفی اعتماد، کمیته‌ها هنگی اعتماد و... را در دوره‌های مختلف بوجود آورده‌اند. ایجاد دهریک از این نوع تشکیلات، رابطه‌ای مستقیم با شرایط عمومی جنبش سطح مبارزه توده‌ای، سلطه اختناق، میزبان آگاهی کارگران و وضعیت سازمانهای جبا و در حد نفوذ آنان در بین کارگران داشته است. به بیانی دیگر، ایجاد دهریک از این تشکیلات، ندرستمانی خواست و آرزوی کسی بلکه از شرایط عینی منبعت بوده است.

#### سرمقاله

کتابخانه ایرانی  
Iranische Bibliothek in Hannover  
بمقت سبب انتشار ارگان سازمان

انتشار ارگان سازمان را در شرایطی آغاز می‌کنیم که دیدگاه توری خشن و اختناق بی سابقه‌ای در میهنمان حکم فرماست. مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش و خلقهای تحت ستم ایران به سیمانه‌ترین شکلی از جانب رژیم ارتجاعی سرکوب می‌شود. کمونیستها و انقلابیون و نیروهای مبارز تحت شدیدترین بیگدرهای پلیسی قرار دارند، دستگیری، شکنجه و اعدام با بعدا گسترده‌ای بخود گرفته است.

محدودیت فوق العاده امکاناتی مختلف برای تبلیغ و ترویج و ضرورت پنهان کاری شدید و سازماندهی غیر متمرکز برای جلوگیری از فرسوده توسط ارگانهای سرکوبگر رژیم، اهمیت ارگان سیاسی را به مثابه مبلغ، مروج و سازمانده جمعی بیش از پیش برجسته ترمی می‌آورد.

ارگان سیاسی در وضعیت کنونی نقش ریسمانی را دارد که میتواند در فعالیت بخشها و کمیته‌های مختلف یک تشکیلات کمونیستی را هماهنگ نموده، نظم بخشد و در جهت راستای هدفمند و مشخص هدایت کند. انتشار ارگان بدنبال اعلام طرح برنامه سازمان در سطح جنبش اهمیت مبرمی در گسترش فعالیت کمونیستی ما و گام برداشتن در جهت استقرار در جنبش کارگری و گسترش بیونیدیا جنبش توده‌ای داشت و حاصل یک دوره فعالیت و تلاش بیگدری است که پس از جدایی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آغاز کرده بودیم.

سازمان ما بطور عمده محصول تکامل یکی از گرایشات سیاسی - ایدئولوژیک درون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد. در گذشته طی سالهای متعادی ما در صفوف فدائیان خلق علیه رژیم مونا کوفایستی شاه و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در راستای آرمانهای والای طبقه کارگر نبرد کرده ایم. بقیه در صفحه ۲

### جنبش انقلابی خلق کرد و

#### وظائف ما

در صفحه ۹

### خیمه شب بازی انتخابات

در صفحه ۱۰

## بسمنا سبیت انشتا ارگان ....

دساله ارمفحه

روند تحولات ایدئولوژیک و سیاسی در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بخصوص پس از انقلاب بهمن، سازمان را به گروهها و سازمانهای متعددی تجزیه کرده و اکنون چندین سازمان به نوعی در ارتباط با نام فدائی در عرصه مبارزه سیاسی فعالیت میکنند و تشخیص درست جایگاه واقعی هر کدام از این سازمانها، از جمله سازمان مابدون بررسی روند تحولات سازمان چریکهای فدائی خلق ایسران و تاریخچه مبارزه بین گرایشها مختلف درون آن ممکن نیست. بررسی گذشته، چگونگی و ماهیت تغییر و تحول گرایشها مختلف را در روند عینیتی نشان داده و جایگاه واقعی گرایشها و جریانها موجود کنونی را مشخص خواهد کرد و از اینرو ضروری است که بطور خیلی کوتاه، مختصر و فشرده به روند شکل گیری و تکامل گرایشی که تدوام آن به تشکیل سازمان ما منجر گردید، بپردازیم.

تا پیش از انقلاب بهمن، دو گرایش عمده در طیف نیروهای فدائی وجود داشت که با طرفداران نظریه مسعود احمدزاده و بیژن جزینی مشخص میگردد. مبارزه بین این دو گرایش از سال ۵۶ منجر به تسلط نظرات رفیق بیژن جزینی در سازمان و طیف هواداران آن گردید. ادامه این مبارزه درونی، اندکی پس از قیام بهمن ماه به جدائی این دو گرایش انجامید. در تمام این دوره ما در صف مدافعین نظریه رفیق بیژن جزینی قرار داشتیم. پس از جدائی یسود و گرایش که هر دو با نام سازمان چریکهای فدائی خلق فعالیت میکردند، تحت شرایطی که پس از انقلاب بوجود آمده بود، روند و شنتر شدن سایه روشن های نظری و صف بندی های درونی در آن بخش که بیرون نظریه رفیق جزینی بشمار میرفت و بخش عمده طیف نیروهای فدائی را حول خود گرد آورده بود، و ما نیز در این طیف قرار داشتیم، شتاب فوق العاده ای بخود گرفت.

چگونگی برخورد به انحرافات گذشته سازمان و بخصوص مشی چریکی و مبارزه مسلحانه در گذشته و مسائلی که مبارزه طبقاتی پس از انقلاب مطرح ساختن بود در مرکز آن تحلیل ما هیت حاکمیت نویسن سیاسی و روش برخورد به آن و مشی سیاسی ای که سازمان می با بست در پیش میگرفت، بتدریج به شکل گیری صف بندیهای نوین درون سازمان منجر میگردید.

در ماههای نخستین پس از قیام بهمن، درون سازمان دو طیف عمده را از یکدیگر میتوان متمایز ساخت. هر چند در هر دو طیف گرایشها و سایه روشنهای نظری متفاوتی وجود داشت و هیچکدام از این طیفها دارای حدود مریحا مشخص ایدئولوژیک نبودند، لیکن حول برخورد به دو مسئله گرهی مورد بحث در سازمان - مشی چریکی و تحلیل حاکمیت - این دو طیف عمده تا حدودی از هم متمایز می گشتند. طیف نخست، مشی چریکی در گذشته را کاملاً درمی نمود و در تحلیل حاکمیت و پیشبرد مشی انقلابی در برابر آن متزلزل بود و تمایلاتی در راستای تحلیل مترقی بودن حاکمیت

از خود بروز میداد. طیف دوم هر چند مشی چریکی در گذشته را مورد انتقاد قرار میداد و نقش محسوری مبارزه مسلحانه را در گذشته قبول نداشت و شکل سازماندهی چریکی را نادرست می دانست لیکن در به کارگیری تاکتیکهای مسلحانه در گذشته اصرار می ورزید و در مقابل حاکمیت موضع قاطعی نداشت و از همان آغاز ما هیت حکومت را ضد انقلابی ارزیابی کرده و عدم پشتیبانی از آن و پیشبرد مشی انقلابی از پائین و با اتکاء به طبقه کارگر و توده های زحمتکش را مطرح می ساخت، مثنی اینکه تا پیش از سفارت گیری که چرخشی در سیاست رهبری سازمان بوجود پیوست راهنمای فعالیت عملی سازمان محسوب می شد و در نشریه "کار" بطور مشخص منعکس می گردید. بر اساس همین مشی عمومی بود که سازمان از اقدامات مستقل و مبارزات انقلابی توده ها علیه حاکمیت دفاع می نمود و در بنبر د خلق ترکمن و جنبش مقاومت خلق کرد شرکت می کرد.

نخستین جناح بندی رسمی در سلنوم سال ۵۸ در سازمان تحت عنوان اقلیت و اکثریت شکل گرفت اما تمایز بین اقلیت و اکثریت در سلنوم هور عمق نیافت و بود و مرز بندی بین آن دو بر پایه مسانی ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی استوار نبود. آنچه اقلیت و اکثریت را از هم متمایز می ساخت، چگونگی برخورد به مشی چریکی در گذشته، تحسلسل حاکمیت، برخی تاکتیکها و روش پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک بود. گرایش اکثریت مرز بندی فاطمی با مشی چریکی داشت، لیکن در برخورد به حاکمیت متزلزل بود و تمایلات راستروانه در آن وجود داشت گرایش اقلیت در مقابل حاکمیت موضع انقلابی داشت، از انحرافات آنارشیستی فاصله گرفته بود اما کاملاً از آن پالایش نیافت و بود و در راستای چپروانه بود. در هر دو طیف اقلیت و اکثریت گرایشها مختلف و سایه روشنهای نظری گوناگون وجود داشت و حول برخورد به دیگر مسائل اساسی که هنوز بصورت بحثهای گرهی و محوری در دنیا مده بود، طیف بندیها متفاوت بود که خود نشان غیر اصولی بودن این نحوه جناح بندی، نارس و ناقص بودن آن است. اگر در آن هنگام مسانی اساسی ایدئولوژیک و سیاسی، برنامه، استراتژی و تاکتیک مشخص مبنای مرز بندیها قرار می گرفت، چه بسا که در روند تحولات، صف بندیها صورت دیگری بخود می گرفت و انشعابات از مضمون متفاوتی برخوردار می گردید و طیف نیروهای فدائی بتدریج امروزه دچار کسندگی و تشتت نمی گشت. لیکن آن زمان درک درستی از این مسائل در کل سازمان هنوز وجود نداشت. اکثریت صرفاً از درجه در مشی چریکی به جهسان می نگریست و اصول آن در رابطه پیشرو یا نبوده خلاصه می شد و مسانی اساسی، برنامه و سیاست توجیهی نداشت. اقلیت نیز که بر ضرورت مبارزه ایدئولوژیک حول مسائل مبرم، تدوین برنامه، استراتژی و تاکتیک و مرز بندی با انحرافات راست و "چپ" حول آن تاکید می نمود، هنوز به درک کاملاً عمیقی از این مسائل دست نیافته بود. بخصوص

اینکه دچار بودن اقلیت به انحرافات چپ و دفاع آن از ضرورت به کارگیری تاکتیکهای مسلحانه در گذشته که تا درستی اش در روند مبارزات گسترده توده ای و انقلاب برای بسیاری از رفقا آشکار شده بود، زمینه پذیرش نظرات درست اقلیت را در سازمان تضعیف کرده بود.

اگر اقلیت و گرایش ما که از همان آغاز در بنطن اقلیت قرار داشت، به انحرافات آنارشیستی و سکتاریستی و گرایشها عموم خلقی آلوده نبود، اهمیت برنامه و مسانی اساسی ایدئولوژیک و سیاسی ضرورت استقرار در جنبش کارگری و سازماندهی جزئی را بدرستی درک می کرد، روند تحولات درونی سازمان مسیر دیگری طی می نمود.

اقلیت علیرغم دچار بودن به این انحرافات همواره از مشی انقلابی دفاع کرده و مفاصل سیاست اکثریت رهبری که سازمان را بسوی ابوروسیسم راست و سوسیال فرمسم می کشاند، بر خاست، مبارزه درونی بین اقلیت و اکثریت در سال ۵۹ به انشعاب بزرگی در سازمان منجر گردید.

انشعاب در حقیقت نقطه جدائی دو گرایش راست و چپ در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود. در مقطع انشعاب، به اقلیت و اکثریت هیچکدام دارای حدود مریحا مشخص ایدئولوژیک نبودند و روند تحولات ایدئولوژیک و سیاسی، شکل گیری صف بندیهای نوین و تکامل گرایشها سیاسی - ایدئولوژیک در هر دو طیف پس از انشعاب همچنان ادامه یافت.

تقویت گرایش راست در اکثریت مدتی کوتاه پس از انشعاب، اکثریت را به دفاع هر چند آشکارتر از رژیم جمهوری اسلامی، رها کردن مشی انقلابی گذشته و قرار گرفتن در صف ضد انقلاب حاکم سوق داد. نشریه "کار" که بعنوان ارگان سراسری اکثریت منتشر می گردید برخلاف گذشته دیگر بیانگر خط مشی انقلابی دفاع از مبارزات توده ها نبود و سیاست دفاع از رژیم ضد انقلابی و تحطنه مبارزات انقلابی توده ها و جنبش ملی - دمکراتیک خلقهای تحت ستم ایران را پیشه کرده بود.

نشریه "کار" که از سوی اقلیت منتشر می شد در برابر رژیم جمهوری اسلامی مشی انقلابی را ارائه می کرد که در اساس همان مشی سازمان در ماههای نخستین پس از انقلاب بود.

روند تکامل گرایشها مختلف درون اقلیت پس از انشعاب و بخصوص در مقطعی که تدوین برنامه در دستور کار سازمان قرار گرفت تسریع شد و صف بندی های مشخصی در درون سازمان بوجود آورد. گرایش ماطی این روند شکل قطعی و روشنی خود گرفت و دیدگاههای اساسی ما در باره حاکمیت و ماهیت انقلاب ایران و استراتژی انقلابی پرولتاریا مسائل مبرم و محوری عصر کمونیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تدوین گردید و انحرافات آنارشیستی و سکتاریستی گذشته مورد انتقاد قرار گرفت.





بروزا اختلافات جدی سیاسی - ایدئولوژیک ، بویژه اختلافات عمیق حول مسائل مربوط به وظایف مبرم و محوری عمرکونی و انتزاعیوناسیونالیسم پرولتری ، چگونگی برخورد به خط مشی عمومی جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری ، ارزیابی وضع سیاسی و موقعیت جنبش توده‌ای ، مشی تاکتیکی و برخورد نسبت به نیروهای مختلف سیاسی ، زمینسه حفظ وحدت گرایشات سیاسی - ایدئولوژیک درون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که مانع از جریانی در درون آن بودیم ، بتدریج تضعیف می کردیم و موجب بحران شدیدی در سازمان شده بود .

بخشی از رفقای ما که در گذشته نیز تحت تاثیر رویزیونیسم "چپ" قرار داشتند ، طی روند تحولات درونی بیش از پیش در راستای تا شیریندیری از رویزیونیسم "چپ" کام برداشتند . انحرافات آنارشیستی این رفقا بخصوص پس از هخراداد سه دنیال سرکوب وحشیانه نیروهای انقلابی توسط رژیم و عملیات گسترده نظامی مجاهدین ، بشدت تقویت گردید و مجدداً تبلیغ مسلحانه در دستور کار سازمان قرار گرفت که مدتی بعد بصورت سازماندهی جوخه‌های رزمی فرموله گردید و سکتاریسم و ذهنیگرایی دامنه وسیعی یافت .

تعمیق این اختلافات در روند خود به جدائی جریان ما از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران انجامید . گرچه برخلاف اشعاب اقلیت و اکثریت این بار گرایشات تا حدود زیادی شکل مشخص بخود گرفته بود و مرزبندیهای روشنی در عرصه‌های مختلف ترسیم شده بود ، لیکن شکل و چگونگی حداثی و روندی که طی گردید ، نشان میده که هنوز از اشعاب قلبی ، درسهای لازم فرا گرفته نشده بود و درجانی کمتر بخصوص در زمینه کم بها دادن به نقش توده‌های سازمانی دچار انحراف سکتاریستی بودیم .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از جدائی ما با اشعابات متعددی روبرو گردید . بخشی به ارتداد کامل گرویدند و به موازین و سنن انقلابی پشت یا زدند . آن بخش اقلیت که تحت نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فعالیت می‌کند ، بجای برخورد با انحرافات گذشته ، بیش از پیش در مسیر انحرافی حرکت کرد و مشی آنارشیستی آن ، صریحاً جدی در پی داشت . سکتاریسم هر بیشتر در آن تقویت گردید و بطور روزافزونی تحت تاثیر رویزیونیسم "چپ" قرار گرفت .

پس از جدائی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، ما فعالیت خود را در جهت ایجاد تشکیلات نوین بر پایه معیارها ، مبانی و اصول روشنی مارکسیستی - لنینیستی متمرکز با حسیم . تجربه عدم موفقیت‌های گذشته بخصوص شکل گیری اقلیت بخوبی به ما آموخته بود که بدون داشتن مبانی روشن مارکسیستی - لنینیستی و حدود صریحاً مشخص ایدئولوژیک قادر نخواهیم بود در امر ایجاد تشکیلات کمونیستی که بدرستی به وظایف خود در قبال طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش عمل کند ، -

موفق شده و گام جدی در راستای غلبه بر بحران کنونی و ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر برداریم .

پس از یک دوره تلاش در جهت سازماندهی ، اقدام به انتشار نشریه " کارثئوریک - سیاسی " نمودیم تا با طرح دیدگاههای خود در سطح جنبش و ترسیم مرزبندیهای روشن با اپورتونیسم راست و " چپ " به مبارزه ایدئولوژیک در جهت زدودن انحرافات گذشته و تدوین برنامه مارکسیستی - لنینیستی - دامن زده و با گسترش ارتباط ها حول نشریه تشکیلات نوین را پی ریزی کنیم .

مضمون نشریه " کارثئوریک - سیاسی " در این دوره با توجه به وظایف و اهدافی که برای آن در نظر داشتیم ، میتواند عمده‌ترین وظیفه باشد . نشریه " کارثئوریک - سیاسی " تا حدود زیادی توانست در انجام این وظیفه ما را یاری رساند . طی مسدات انتشار نشریه " کارثئوریک - سیاسی " توانستیم از سوئی مرزبندی‌های روشنی را ترسیم کرده و بخش مهمی از مسائل اساسی را از دیدگاه مارکسیستی - لنینیستی مورد تحلیل قرار دهیم و از سوی دیگر حداقل‌های لازم را برای پیشبرد فعالیت متشکل کمونیستی سازماندهی کنیم .

فراهم آمدن این حداقل‌ها به ما امکان می دهد تا در دومین مرحله فعالیت خود به مثابه یک تشکیلات کمونیستی شرکت فعال و متشکلی در عرصه نبرد طبقه‌ای داشته باشیم .

انتشار ارگان سیاسی در مرحله کنونی فعالیت ما بلحاظ شرکت هر چه فعالیت در عرصه مبارزه سیاسی ، هدایت کمیته‌هایی که در مناطق مختلف توانسته‌ایم سازماندهی کنیم ، گسترش امر سازماندهی در جهت پیوند با جنبش توده‌ای و استقرار در جنبش کارگری اهمیت بسیار مبرمی داشت .

در این مرحله از فعالیت خود ، ما درس آموزی از تجربیات غنی جنبش جهانی کمونیستی و تجربیات گذشته‌مان ، تلاش خواهیم کرد ارگان سیاسی نقش واقعی خود را در مجموعه فعالیت ما کسب نماید .

در گذشته بدلیل عدم درک عمیق نقش واقعی ارگان سیاسی ، دچار بودن به انحرافات مختلف و فقدان برنامه‌های روشنی و مشخص ، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نتوانسته بود جایگاه واقعی ارگان سیاسی را در مجموعه فعالیت‌های خود تثبیت نماید .

در دوران تسلط رژیم موناکوفاشیستی شاه ، نشریه " نبرد خلق " که بصورت ارگان سازمان منتشر میشد ، فاقد نقش واقعی ارگان سیاسی بود و در آن دوره به نشریه ارگان سازمان به مثابه مبلغ ، مروج و سازماندهی جمعی نگریسته نمی‌شد و اساساً اهمیت و نقش ارگان سیاسی درک نشده بود .

نشریه " کار " که به مثابه ارگان سازمان از اصفندماه سال ۵۷ انتشار یافت بدلیل فقدان برنامه‌های روشنی و مشخص فاقد نقش واقعی ارگان سیاسی را در مجموعه فعالیت سازمان ایفا نماید . در زمان انتشار نشریه " کار " پس از اشعاب اقلیت و اکثریت نیز همان مشکل اساسی ، فقدان برنامه‌های روشنی و مشخص وجود داشت .

اینک با بررسی عمیق وجدی تجربیات سایر جنبشها و انحرافات وضعیهای گذشته‌مان ، تدوین برنامه‌های روشنی و مشخص قادر خواهیم بود ، نقش ارگان سیاسی را در فعالیت کمونیستی‌مان تثبیت کنیم .

ما نام " کار " را برای ارگان خود انتخاب کرده‌ایم ، چرا که سازمان ما بطور عمده محصول تکامل یکی از گرایشات درون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد و مشی و برنامه ما با آن - دفاع می‌کنیم ، تحلی آن گرایشی در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد که با انتشار نشریه " کار " در جهت دفاع از منافع طبقه کارگران ، مارکسیسم لنینیسم و انتزاعیوناسیونالیسم پرولتری گام برمی‌داشت .

طبیعتاً هر کدام از گرایشات و جریانات مختلف که محصول تجزیه و تکامل جریان فدائوسی می‌باشند ، میتواند در حرف خود را تحلی گاه جنبش حرکتی و مدافع راستین منافع طبقه کارگر قلمداد کنند و برای اثبات حقانیت خود در عرصه نبرد طبقه‌ای تلاش نمایند ، لیکن این مبارزه است که در نهایت صحت و سقم این ادعا را روشن ساخته و برنامه‌ها و مشی راستین مارکسیستی - لنینیستی را تثبیت خواهد کرد . ما در چنین مبارزه‌ای به حقانیت مشی و برنامه خود یقین داریم و آینه مبارزه‌ایس را اثبات خواهد کرد .

سروزی از آن ماست .

### ضرورت سازماندهی کمیته‌های مخفی کارگری

دساله از صفحه ۴

کارگران و از بین بردن خطر تبدیل آنها به محافل جدا از توده کارگران را فراهم می‌سازد .

علاوه بر مبارزه با سکتاریسم ، رعایت دقیق مسائل امنیتی و شکل مبارزات ، رعایت دقیق مسائل خود بر روی روابط درونی برای حفظ وادامه‌کاری خود ، بررسی دقیق مسائل کارگران و تعیین آن قسم از خواست‌های که جنبه عمومی داشته و بیشترین توده کارگری برای تحقق آنها مبارزه می‌کنند ، برقرار کردن ارتباط با کمیته‌های مخفی دیگر واحدهای تولیدی بمنظور انتقال تحارب و اطلاع اروضت کارگران دیگر کارخانه‌ها و هماهنگی با آنها ، سخن و اناعده اخبار مبارزات کارگری به طرق مختلف ، ناسازی و افشای حاسوسان رژیم و اعضای انجمنهای اسلامی و معرفی آنها به کارگران ، توضیح ضرورت تحریم ارگانهای سرکوبگر دولتی مثل انجمنهای اسلامی و شوراهای اسلامی کار ، جلب اعتماد کارگران و برقراری رابطه با کارگرانی که از اعتنا روست و در بین همکاران خود بر خورد دارند ، اعضای سازمانی ضد کارگری و تفرقه افکنان رژیم و توضیح راه‌های مقابله با آنها و ارتقاء روحیه مبارزاتی کارگران و ایجاد رابطه با خانواده کارگران زندانی شهید و مدرساندن به آنها ، حبه‌های دیگری از وظایف متعددی است که با بدرستی و وجود داشتن کار کمیته‌های مخفی کارگری قرار گیرند .

## ضرورت سازماندهی کمیته‌های مخفی کارگری

دنیاله از صفحه ۱

اسلامی کار" گرفته تا تقویت و استقرار "انجمنهای اسلامی" بمثابه ارگانهای پلیسی - سیاسی در واحدهای تولیدی همگی حربه‌های مختلف رژیم برای سرکوب جنبش کارگری میباشد.

در شرایط کنونی، سلطه اختناق و دیکتاتوری، مانع مهمی در راه گسترش و توسعه مبارزات کارگری می باشد. رژیم جمهوری اسلامی می کوشد از هر حربه‌ای برای تنگنکردن فضای سیاسی بهره‌گیرد و به سببانه‌ترین اشکال قهرضدا انقلابی برای پیشبرد سیاستهای بنیاد ارتجاعی خود و سرکوب جنبش کارگری توسل می جوید. تلاش میکنند از شیوه‌های تحمیق و فریب استفاده نمایند، اگر نشد - که غالباً این شیوه افشاء شده کار بردندارد و نمی‌شود - فعلاً این جنبش کارگری را شناسایی و دور از نظر توده‌های کارگر، در خارج از محیط کارخانه می‌ریزد. مزدوران خود را در لباس کارگری به میان اعتصابیون می‌فرستد، در کارخانه‌ها شبکه جاسوسی و سرکوبگر تحت عنوان "اداره حراست"، "اداره محافظت" و "دادگاه‌های ویژه" ایجاد می‌کند، به بهانه شرایط جنگی تلاش می‌ورزد هرگونه حرکت اعتراضی و اعتصابی کارگران را در نطفه خفه سازد، قوانین و لوائح شدیداً ضد کارگری طرح و تصویب می‌کند. سعی در ایجاد دتفا و چند دستگی در صفوف کارگران می‌کند. مانع ایجاد تشکلهای مستقل کارگری می‌شود و حتی در مورد تلافی آن دسته از تشکلهای دولتی که احیاناً ممکن است بخشی از خواسته‌های صرفاً صنفی - اقتصادی کارگران را در چارچوب قوانین رژیم مطالبه نمایند، برمی‌آید. در یک کلام، سطره شوم قرون وسطائی جمهوری اسلامی شرایطی را بوجود آورده است که با اعمال انواع و اقسام فشارها و تضیقات غیر انسانی، کارگران را در حد اکثر فقر و فلاکت نگه داشته است و همچون بختکی برسینه آنان سنگینی می‌کند.

جنبش کارگری پس از یک دوره رکود (پس از ۳۰ خرداد ۶۰)، از اوایل سال ۶۲ تا کنون با تحولی نوین رو بر رو گردیده است. طی این دوره مبارزات کارگری، چه بلحاظ تعداد اعتصابات و تعداد کارگران شرکت‌کننده در آنها و چه بلحاظ ارتقاء اشکال مبارزاتی و کیفیت خواسته‌ها، گامهای مهمی به پیش برداشته است. اعتصابات عظیم کارگران دختانیات (دیسماه ۶۲)، شرکت ساسان (تیرماه ۶۳) و ذوب آهن (آذرماه ۶۳) که در مردربیش از ۱۵۰۰ اعتبار درخشیدند، مویدا این امر است که طی سال گذشته جنبش کارگری در راه پیشرفت گام برداشته است. بررسی این مبارزات به نحو بارزی نشان میدهد که اولاً: مضمون مبارزات کارگران که در خواسته‌هایشان نیز به وضوح متبلور است، صنفی - اقتصادی می باشد. عمده ترین این خواسته‌ها افزایش دستمزدها، کاهش ساعات

رژیم علیه کارگران را خواهند داشت و خطر اعمال هژمونی اقشار غیر پرولتری و دنباله‌روی کارگران از آنها را به حداقل ممکن می‌رسانند.

اما، سلطه اختناق و دیکتاتوری مانع اصلی ایجاد جنبش تشکلهای توده‌ای در شرایط کنونی می باشد. بدلیل وجود سلطه اختناق و فئدالیسی حاکم امکان ایجاد تشکلهای توده‌ای کارگری با مشکلات جدی مواجه شده است. این حقیقت را نمی‌توان از نظر دور داشت، در شرایطی که هرگونه تشکل غیر دولتی و مستقل کارگری از جانب سرکوبگران "غیر قانونی" تلقی می‌شود و خطرو مجازات سنگینی بدنبال خواهد داشت، عموم توده کارگران آمادگی برای بی‌ریزی جنبش تشکلهای از خود نشان نمی‌دهند.

بنابراین در شرایط فعلی برای اینکه بتوان در جهت ایجاد تشکلهای توده‌ای با یدار گام برداشت و مبارزات کارگران را در هر سطح و تکی که باشد سازماندهی نمود، نخست باید کمیته‌های از پیش‌روترین کارگران بوجود آورد که بتوانند از زیر ضربات سهمگین ارتجاعان عالم بدر برده و اقدام کاری را تضمین نمایند و مبارزات توده‌ای و سندیکی کارگران را سازماندهی و رهبری کنند. بی‌شک شکل امروزی این کمیته‌ها، نحوه سازماندهی و مضمون وظایف آنها برای هر شرایطی قابل تعمیم نبوده و با تحولات سیاسی و ارتقاء سطح جنبش کارگری و متناسب با تحول نهضت کارگری شکل و مضمون آنها نیز متحول خواهد شد.

این کمیته‌ها با توجه به مجموعه شرایطی که تدارک کردیم و مضمون وظایفشان، باید بصورت مخفی زکارگران پیشرو و آگاه که آشنا به مسائل سیاسی و فن بنیاد نگاری و مبارزه با پلیس سیاسی، تجربه کار در درون جنبش کارگری، داشتن قابلیت تلفیق کار مخفی و علنی هستند، بدون در نظر گرفتن عقاید سیاسی، مسلکی و جنسیت آنها تشکیل گردد.

کمیته‌های مخفی کارگری، بدلیل مضمون وظایف و ضرورت بنیاد نگاری شدید، از محدودیتهای معینی نمی‌توانند مستر در گذشته و در برگیرنده توده‌های نسبتاً وسیع کارگری باشند و بدین لحاظ از تشکلهای توده‌ای کارگری متمایز می‌باشند.

در وضعیت کنونی که امکان ایجاد تشکلهای مستقل و بیادار توده‌ای بصورت علنی و آشکار وجود ندارد، کمیته‌های مخفی بمثابه سنگ بنای جنبش تشکلهای، ضمن تبلیغ ضرورت و تلاش برای ایجاد تشکلهای نیمه مخفی - نیمه علنی مستقل توده‌ای باید با ایجاد محملهای مناسبی کارگران را مجتمع نمایند. این محملها می‌بایست بمثابه تشکلهای علنی و قانونی جدا از تشکلهای دولتی سربمبای نیازها و علایق کارگران مانند تفریح و تفریح، صرف، مسکن، وام و گروههای ورزشی، هنری و علمی با شرکت خود کارگران بوجود آید. ایفای نقش مداخله جویانه کمیته‌های مخفی در اینگونه تشکلهای زمینه‌های مناسبی برای ایجاد رابطه و کار در میان

کارروانه، بهبود شرایط معیشتی، مبارزه با اخراج، بیمه، حق بهره‌وری کار و... بوده است. مبارزات کارگران بدلیل سلطه اختناق و دیکتاتوری و دولتی بودن غالب واحدهای تولیدی و بخش خدمات در مقابل ارگانهای مسلح سرکوبگر دولت سرمایه‌داری قرار می‌گیرد و این امر موجب میشود که مبارزات صنفی - اقتصادی کارگران سریعاً به مبارزه‌ای سیاسی تحول یابد. توسعه جنبش کارگری - بویژه از سال گذشته تا کنون - رژیم را به هراس افکنده است. بطوریکه رژیم فضای کاملاً پلیسی در کارخانه‌ها حاکم گردانیده و برای سرکوب هر جنبش اعتراضی و اعتصابی - حتی اگر در یک واحد تولیدی کوچک باشد - ده‌ها و صدها پاسدار و مزدور بسیج میکند و با استفاده از شبکه‌های جاسوسی به شکار و دستگیری رهبران اعتصابیون می‌پردازد و دست به هر جنایتی می‌زند.

ثانیاً: طی یکسال و نیم گذشته، اشکال مبارزات کارگران برخلاف دوره قبیل، در وجه غالب به شکل عریضه نویسی، طومار نویسی، درخواست از کارفرمایان و دولت، مراجعه به مقامات دولتی و اداره کار و... نبوده، بلکه عمدتاً در اشکال کم کاری، اعتراضات جمعی و اعتصابات متحلی گشته است. بکارگیری این اشکال مبارزاتی در دوره اخیر از سوی کارگران توانسته است در محدودیتهای رژیم را علیرغم دست یازیدن به انواع روشهای سرکوب سبانه و ادار به عقب نشینی و تمکین در مقابل خواست کارگران نماید.

ثالثاً: با وجود گسترش و سرور و اعتبارات متعدد و ارتقاء شکل و مضمون مبارزات، خود بخودی بودن آنها جنبه برجسته‌ای داشته است. این امر بطور اجتناب‌ناپذیری از فقدان تشکلهای مستقل کارگری، پراکندگی در بین پیشروان و فعالین جنبش کارگری و بطریق اولی تفرقه نیروهای جنبش کمونیستی در رابطه با فعالیت در درون جنبش کارگری ناشی می‌شود.

با بیان دادن به پراکندگی و تفرقه موجود و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و وظیفه درنگ‌ناپذیر و مقدم تمامی نیروهای مدافع جنبش کارگری می‌باشد. بدون حل این گره مرکزی، فائق آمدن بر دیگر مشکلات و معضلات امکان پذیر نبوده و ره‌به‌جائی نخواهد بود و جنبش کارگری همواره در یک سیرتسلل نا سازمانیافتگی قرار خواهد گرفت و به دنباله روی کشیده شدن از مبارزات اقشار غیر پرولتری گرفتار خواهد شد.

برای سازماندهی مبارزه کارگران و متشکل ساختن طبقه، کارگر، ایجاد تشکلهای مستقل، توده‌ای و بیادار کارگری ضروری است. و جنبش تشکلهای بدون تردید نه تنها قادر به هماهنگی و ارتقاء مبارزات کارگری می‌باشند، بلکه توان خنثی کردن بسیاری از توطئه‌های آشکار و پنهان



## ارزیابی اوضاع سیاسی کنونی و تاکتیکهای ما

دساله از منظر ۱

آزمینداران بزرگ و کشت‌شورائی گردید، بروشنی خاص اصلی مضمون عینی مبارزات انقلابی بوده‌ای و انقلاب ایران را مشخص می‌سازد.

انقلاب بهمن علی‌رغم خصلت توده‌ای خود به دلیل ضعف آگاهی و تشکل توده‌ها و فقدان رهبری انقلابی و سلطه رهبران سازشکار و وابسته‌های مذهب، به حاکمیت توده‌ها منجر نگردید و قدرت حاکمه سیاسی بدست ائتلافی از نمایندگان خرده‌بورژوازی مرفه و جناح‌های مختلف بورژوازی متوسط انتقال یافت که بنا به ماهیت فدا انقلابی اش از همان نخستین روزهای بقدرت رسیدن درجهت سرکوب جنبش انقلابی و محدودستاوردهای انقلاب اقدام نمود و سوراخ‌گسترش و تشکل انقلاب گردید. با این وجود بدلیل ازهم پاشیدگی ارگانهای حکومتی، تضاد بین جناح‌های حاکم و عمق و گسترش جنبش انقلابی توده‌ای، جو را بنسبه دمکراتیکی برجای نماند و حکمفرما گشت.

شرایط با لنسبه دمکراتیک که با نیروی فشار توده‌ها از پائین برقرار گشته بود، محصول توازن خاصی از نیروهای طبقاتی در سطح کشور بود که به فدا انقلاب حاکم امکان نمیداد از اقدامات مستقل و انقلابی توده‌ها جلوگیری کرده و اختتاماتی و دیکتاتوری را برجا می‌سازد.

یک چنین وضعیتی پایدار نخواهد بود و تدریجاً با سیر نزولی انقلاب و تغییرات اساسی فواید فدا انقلاب حاکم، حاکمیت به پیشروی خود برای محدودستاوردهای انقلابی توده‌ها ادا نمیداد. شوراها و انقلابی با سرکوب شده و نابود شدند و یا از مضمون انقلابی تهی گشتند، جلوی اقدامات مستقل و انقلابی توده‌ها سد گردید، آزادیهای سیاسی محدود و محدودتر گشت و با لایحه‌های روندی اختناق و دیکتاتوری خشن مذهبی حاکم گردید. فدا انقلاب حاکم این روند توانست از طریق سرکوب و فریب توده‌ها، جنبش انقلابی را در سطح کشور (به استثنای کردستان که همچنان جنبش انقلابی توده‌ای تداوم دارد) مهار سازد و جنبش تشکل آشکار و انقلابی خود را از دست داد.

بررسی عینی مبارزات توده‌ها در سطح کشور در اوایل سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ نشان میدهد که جنبش توده‌ای در این مقطع دیگر فاقد شکل آشکار و انقلابی است. و همین وضعیت بود که به رژیم مکان داد تا از تابستان سال ۶۰ اختناق و دیکتاتوری بی سابقه‌ای در سطح کشور حاکم سازد که تا به امروز تداوم دارد. ولی در کردستان بدلیل تداوم جنبش انقلابی و آشکار توده‌ای و جنبش مقاومت مسلحانه علی‌رغم سرکوبهای شدید، گسیل نیروهای وسیع نظامی و میلیتاریزه شدن منطقه، چنین وضعی را نتوانست حاکم کند.

بدین ترتیب انقلاب بهمن که یکی از شکوه‌مندترین انقلابات تاریخ معاصر ایران بود، بطور موقت به شکست انجام میداد اهداف دمکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری انقلاب متحسب نگردید.

### "تحولات سیاسی"

با قیام بهمن رژیم سلطنتی سرنگون گردید، بورژوازی بزرگ از قدرت به زیر کشیده شد و قدرت سیاسی بدست ائتلافی از نمایندگان رده‌های فوقانی خرده‌بورژوازی سنتی و بورژوازی متوسط تجاری و صنعتی انتقال یافت که دارای ماهیت فدا انقلابی بود.

در یک سوی این ائتلاف، بورژوازی لیبرال قرارداد داشت که در دولت موقت با زرگان نقش فائقه را ایفا می‌کرد و در سوی دیگر اکثریت روحانیون و مراجع تقلید و نیروهای قراردادی که پیروان "ولایت فقیه" بشمار می‌آیند. این طیف دوم از نظر جوهر طبقاتی طیف رنگارنگی را تشکیل میداد که عمدتاً از بورژوازی تجاری شروع و به خرده‌بورژوازی مرفه سنتی ختم میگردد. خصوصیت بارز این جناح، تشریحی گری افراطی مذهبی است که از همان آغاز در جهت تثبیت امتیازات ویژه برای روحانیت و برقراری استبداد مذهبی مبتنی بر ولایت فقیه و تلفیق کامل دین و دولت تلاش می‌کرد و در سیاست خارجی بیرو "با ناسلامت" ارتجاعی بود. این طیف توانست طی روندی بتدریج لیبرالها را کنار گذاشته و اهرمهای قدرت سیاسی را بطور کامل و انحصاری تسف کند.

بورژوازی تجاری که پیش از اینکساری کامل لیبرالها نیز نقش فاطمی در سیاستهای حاکمیت ایفا می‌نمود، پس از قبضه انحصاری و کامل قدرت توسط بیروان "ولایت فقیه"، در راستای سیاستهای ارتجاعی گذشته خود با سودجستن هر چه بیشتر از اهرمهای قدرت دولتی، میلیاردها ریال از راه چپاول توده‌های مردم که تحت پوشش شرعی کسب و کار حلال صورت می‌گرفت، به جیب زد. کم نیستند تجار متوسط بازاری که در مدت زمان کوتاهی ثروت عظیمی بهمزدند. جنگ ارتجاعی بین ایران و عراق که طی پنج سال صدها هزار معلول و کشته و سیس از دو میلیون آواره برجای گذارده و بیروانیهای وسیع بیار آورده، منبع دیگری است برای کسب سود و چپاول و غارت تجار. ره آورد این جنگ ارتجاعی که به قیمت جان صدها هزار انسان تمام شده، پر شدن کیسه‌های تجار می باشد.

افزایش سریع واردات کالاهای امپریالیستی که پس از قیام بهمن صورتاً رشد یافته و سودهای افسانه‌ای که از طریق ورود کالاها و فروش آنها به قیمت‌های چندین برابر بر دربار زاردا خلیفه جنگ تجار افتاده است را قمار نجومی را تشکیل میدهد. سودهایی که تجار بخصوص تجار با اصطلاح پیرو خمینی بهمزده‌اند در تاریخ میهنمان بی سابقه است. بورژوازی تجاری با اندوختن سرمایه‌های کلان موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را روز بروز تحکیم نموده است.

طی سالهای پس از انقلاب دولت مردان رژیم جمهوری اسلامی از راه دزدی، رشوه و باج‌گیری، بولهای کلان بجهت زنده و بتدریج قشر نوینسی از بورژوازی بوروکراتیک شکل گرفت و روند استعلا

سران خرده‌بورژوازی که در سازش با بورژوازی در قدرت قرار گرفته بودند، با شتابی بسیار به بورژوازی بوروکرات طی شده است.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز در جهت حفظ سلطه بورژوازی، مناسبات سرمایه‌داری و ادا موابستگی به امپریالیسم گام برداشته است. و با گذشت زمان این سیاست هر چه روشنتر شده است. دفاع کامل آشکار از منافع سرمایه‌داران و سرمایه‌داری، گسترش روز افزون روابط اقتصادی و سیاسی با دنیای سرمایه‌داری و کشورهای امپریالیستی، دور ریختن کامل پاره‌ای از بنیه اصطلاح اصلاحاتی که رژیم در سالهای نخستین تحت فشار جنبش توده‌ای مجبور به دست‌بازیدن به آن بود، بازگرداندن تدریجی اموال، زمینها و کارخانه‌های مصادره شده و ادا موابطع فروتن کارخانه‌های دولتی شده به بخش خصوصی و غیره... دشمنی هر چه آشکارتر با سوسیالیسم و کمونیسم ستیزی شدید، کمک روز افزون به نیروهای ارتجاعی در منطقه، همگی سیاستهای ارتجاعی و ما هیئت بورژوازی رژیم را بی‌پرده نشان میدهد.

رژیم جمهوری اسلامی با وجود دفاع از مناسبات سرمایه‌داری و وابستگی به امپریالیسم، بدلیل ساختن نا همگون و مذهبی اش، ناهماهنگی‌های زیربنای جامعه دارد که منشاء درگیریهای دائمی است. امتیازات ویژه که روحانیت در جامعه و قدرت دولتی از آن برخوردار است، چندگانگی ساختار حکومتی، با الزامات سرمایه‌داری ناخوانیهای داشته و خصلت بحران زاد دارد.

رژیم بورژوازی و مذهبی جمهوری اسلامی که دین و دولت در آن کاملاً تلفیق گشته و مذهب شیعه و روحانیت از امتیازات ویژه برخوردار می‌باشد، یکی از خشن‌ترین دیکتاتوریهای زمان ماست که متکی بر قهر فدا انقلابی عربان، سرکوب وحشیانه و تروریسم آشکار است.

رژیم جمهوری اسلامی ابتدائی ترین حقوق انسانی، آزادیهای فردی و اجتماعی را با بمبار می‌کند. داشتن عقیده‌ای مفایر با افکار ارتجاعی حاکم، جرم محسوب می‌شود. حتی زندگی خصوصی افراد جامعه نیز از تعرض مومن نیست.

زنان آشکارا تحقیر می‌شوند و با اعمال قوانین شرعی از همان حقوق ناچیز مردان نیز محروم و متروکند و تحت ستم مضاف قرار دارند. مبارزات خلقهای تحت ستم ایران برای کسب حقوق ملی-دمکراتیک خویش بطور وحشیانه سرکوب می‌شود.

با ناسلامت ارتجاعی و صدور فدا انقلاب توسط مرتجعین حاکم در خدمت امپریالیسم و ارتجاع فرار می‌گیرد. به تشنج در منطقه‌ها من زده و خلقهای زحمتکش ایران را درگیر جنگی ارتجاعی ساخته و صدمات و لطامات انسانی و مادی فراوانی بیار آورده است.

در نظام جمهوری اسلامی، کارگران، دهقانان و زحمتکشان میهنمان محکوم به فقر، بدبختی، ستم و استعمار هستند و تحقق اهداف انقلاب جزا طریق



سرنگونی رژیم و استقرار حاکمیت دمکراتیک توده‌ها ممکن نیست .

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت دمکراتیک توده‌ها هدف مقدم سیاسی پرولتاریای ایران را تشکیل می‌دهد .  
"تداوم بحران اقتصادی"

بحران عمیق اقتصادی ای که در او خرسطنت، ارتجاعی پهلوی زمینه‌های عینی بحران انقلابی را بوجود آورد، پس از سرنگونی رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری اسلامی، نه تنها تدام یافت بلکه درجهاتی تشدید نیز شده و عمیق‌تر گردیده است .

حل اساسی بحران اقتصادی در جهت مناقصع اکثریت زحمتکشان در گردوگرگونیهایی بنیادی در ساخت اقتصاد - اجتماع و سیاسی و پیشبرد سیاست

انقلابی بود، لیکن سیاستهای ضد انقلابی رژیم که بر پایه حفظ و تحکیم مناسبات سرمایه‌داری و وابستگی به امپریالیسم می‌باشد، تمام تلاشهای

رژیم را برای مرتفع ساختن بحران اقتصادی در چارچوب نظام موجود نقش بر آب کرده و بر حصدت و شدت بحران اقتصادی افزوده است . حتی اگر آثارها رسمی منتشر شده از سوی رژیم را که در بسیاری موارد ناقص و نادرست است، مینا قرار دهیم، به عمق

بحران اقتصادی ای که جا معه را در بر گرفته بیسی - خواهیم برد . رکود در عرصه تولید گسترده شده، تورم

بطور انفار گسیخته و بی‌بقيه شدید تر گردیده و بیکاری بطور چشمگیری افزایش پیدا کرده است .

کاهش تولید ناخالص ملی نشانه بارزی از رکود در عرصه تولید است . طی سالهای پس از انقلاب

تولید ناخالص ملی شدت سقوط کرد . تولید ناخالص ملی به قیمت های ثابت در سال ۶۱ به رقمی حدود

۳۴۰۰ میلیارد ریال رسید که تقریباً معادل تولید ناخالص ملی در سال ۵۳ بود . در سال ۶۲ این رقم

به حدود ۳۰۰۰ میلیارد ریال رسید که افت با زهم بیشتری را نشان میدهد .

رشد تورم طی سالهای گذشته بقدری بی‌بقيه بوده که حتی خود رژیم نیز میدان معترف است . در

آمارهای رژیم نرخ رشد تورم در خرداد ۶۲ نسبت به سال ۶۱، ۲۱/۴٪ و در خرداد ۶۳ نسبت به خرداد ۶۲،

۱۵٪ اعلام شده است . لیکن رشد تورم بمراتب بیش از آن می‌باشد که در این آمارها منعکس شده است .

بخصوص با دیده این نکته توجه داشت که با زاریسیا در ایران امروزه زده‌مانه گسترده‌ای دارد و قیمت

کالاها ی مورد نیاز مردم و ما یحتاج عمومی در بازار سیاه چندین برابر قیمت های اعلام شده دولتی است .

افزایش سریع حجم اسکناس خودیکی از عوامل تورم‌زاست . در سال ۶۲ میزان نقدینگی به ۷۲۷۷

میلیارد ریال بالغ گردیده که نسبت به سال ۵۳ بیش از ۷۰٪ افزایش را نشان میدهد . دولت برای جبران

کسری بودجه ناچار به استقراض از بانک مرکزی و چاپ اسکناس بدون پشتوانه است .

ذخاثر ارزی کشور بشدت کاهش یافته است و دولت قادر به تامین ارز مورد نیاز نیست و سهمیه

ارزی را با لاجبار با شین آورده است . نیسازاری

بر آورده شده صنایع در سالهای ۶۱، ۶۲ و ۶۳ برترتیب ۶۰۰۰، ۶۵۰۰ و ۷۹۰۰ میلیارد ریال بود . حال آنکه

سهمیه ارزی داده شد در سال ۶۱ برابر ۳۲۰۰ میلیارد ریال، در سال ۶۲ برابر ۴۰۰۰ میلیارد ریال و تا

نیمه دوم سال ۶۳ برابر ۲۷۵۰ میلیارد ریال بوده است . فقدان ارز لازم برای صنایع، در گردش چرخ

صنایع اخلاص جدی را بدنبال داشت و بیسیاری از کارخانه‌ها عملیات ظرفیت خود را ر کرده‌اند . برخی

کارخانه‌ها عملیات نیمه تعطیل بوده‌اند . اختصاص توقف تولید در بخشهای کاملا وجود دارد .

بخش قابل توجهی از سهمیه ارزی برای تامین ملاح و جنگ افزار جهت ادامه جنگ ارتجاعی که رقم واقعی آن هیچگاه از سوی دولت اعلام نگشته، خودعا مل

تشدیدکننده‌ای بر بحران ارزی کشور است . اقتصاد کشور همچون گذشته تک‌سایه‌ای و متکی

به صادرات نفت است . بخش اعظم بودجه از طریق فروش نفت تامین میشود . کاهش صادرات نفت به دلیل

محدودیتهایی که تحمالات امپریالیستی برای میزان فروش تعیین کرده‌اند و نیز ادامه جنگ ایران

و عراق . تا شیر مستقیمی بر بودجه کشور گذاشته، رژیم را در تامین ارز مورد نیاز توان ساخته و

بودجه دولت را دچار کسری شدید کرده است . طبق آمارهای دولتی بخش اعظم بودجه کشور

صرف هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم جنگ میشود که خودعا مل تداوم و تشدید بحران اقتصادی است . در

بودجه سال ۶۴ هزینه مستقیم جنگ ۴۰۰ میلیارد ریال بر آورده شده بود که اگر بودجه دستگا هیسای

نظامی و انتظامی ۶۹۰ میلیارد ریال، بشا دینید ۹۵/۵ میلیارد ریال بر آن افزوده شود، میزان

واقعی هزینه جنگ که بخش اعظم بودجه را تشکیل می‌دهد روشن خواهد شد . البته هزینه واقعی جنگ به

مراتب بیش از آن چیزی است که رژیم بطور رسمی اعلام کرده است .

در جنبین وضعیتی دولت مجبور است بودجه‌های عمرانی، آموزشی، بهداشتی و درمانی و سوسیدها

را کاهش داده و سرمایه‌های مستقیم و غیر مستقیم بیافزاید و دست به چاپ اسکناس بدون پشتوانه

بزند، یعنی عملیات رکود و تورم را من زده و بحران اقتصادی را تشدید کند و توده‌های زحمتکش را به فقر

و فلاکت با زهم بیشتر سوق دهد . بودجه سال ۶۴ هم عملیات خلاف ادعاهای روح

سرا ن رژیم، تورم افزایش و بر رکود با زهم بیشتر را من خواهد زد .

سیاست سرمایه‌گذاریهایی رژیم در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات بخوبی ناتوانی رژیم

را در حل بحران اقتصادی نشان میدهد . سرمایه - گذاری به قیمت جاری در سال ۶۱ در بخش خدمات،

صنعت و کشاورزی به ترتیب عبارت بودند از ۱۹۸/۵، ۱۵۸/۵ و ۹۶/۷ میلیارد ریال بود . سهم ارزش افزوده

خدمات، صنایع و معادن و کشاورزی در همان سال برابر بود با ۵۹٪، ۱۹٪ و ۱۸٪ که خود نشان با ارزی ز

بوسیدگی اقتصاد کشور است . بحران کشاورزی ایران طی سالهای گذشته

بشدت گسترش یافته است و دولت مجبور است بخش قابل توجهی نیسازاری و لویه نظیر گندم، برنج و غیره ...

را از خارج وارد کند . مهاجرت وسیع روستاییان به شهرها خود نمودی از بحران شدید کشاورزی است .

در چشم انداز نزدیک نه تنها امکان برطرف شدن بحران عمیق اقتصاد وجود ندارد، بلکه با توجه

به مجموع سیاستهای اقتصادی رژیم و ادامه جنگ ارتجاعی بین ایران و عراق گرایش عمومی در جهت

تعمیق و تشدید بحران اقتصادی و ورشکستگی کامل رژیم سیر خواهد کرد و بدین ترتیب جا معه در راستای

یک بحران عمومی سیر می‌کند . " موقعیت جنبش توده‌ای و تانکتیکهای ما " ی

پس از قیام بیستم ماه مبارزات انقلابی توده‌ها بتدریج با سیر نزولی مواج شده، اعتماد نا آگاهانه

توده‌ها به رهبران سازشکار و وابستگی مذهبی که توسط رفرمیستها بدن دامن زده میشد، توسط

حکومت به سلاح سرکوب و فریب توده‌ها با خرافه‌های مذهبی و شعارهای بیظا هرا انقلابی و سوءاستفاده آنها

از اعتماد توده‌ها، پراگندگی در صفوف نیروهای انقلابی و مترقی و حتی کشانده شدن بخشی از نیروها

انقلابی به ورطه سوسیال رفرمیسم و سقوط آنها به ورطه خیانت به انقلاب و قرا رگرفتن شان در صف

انقلاب حاکم و دفاع از حاکمیت ضد انقلابی، ضعف آگاهیه و شکل طبقه‌کارگرو توده‌های زحمتکش و

خستگی ناشی از انقلاب، علل اصلی این سیر نزولی بود .

طی سالهای پس از انقلاب، سیر نزولی جنبش انقلابی توده‌ای به مرحله‌ای رسید که جنبش توده‌ای

در سطح کشور (با استثنای کردستان) شکل و مضمون انقلابی اش را از دست داد .

هر چند رژیم نتوانست مبارزات توده‌ها را بطور کامل سرکوب نموده و توده‌ها را تماما از صحنه

عقب براند و مبارزات پراکنده توده‌ای در سطح کشور همچنان تداوم دارد، لیکن مبارزات توده‌ای دارای

شکل و مضمون انقلابی گذشته نیست . نگاهی به جنبش توده‌ای در چهار سال گذشته،

بررسی اشکال مبارزات توده‌ها و خواسته‌هایشان نشان میدهد که طی این دوره مبارزه توده‌ها عمدتاً

حول خواسته‌های اقتصادی و سیاسی مشخصی جریسان یافته و اشکال معینی بخود گرفته که هنوز شکل کار

و انقلابی ندارد . مبارزات توده‌ای بخصوص پس از سرورش

وحشیانه رژیم در تابستان ۶۰ برای نابودی کامل آزادیهای سیاسی و سرکوب مبارزات توده‌ها، با

افت چشمگیری روبرو گردید . ریختن بقایای توهما توده‌ها نسبت به حکومت، تداوم بحران اقتصادی

گسترش فقر و فلاکت توده‌ها و رشد تشدید نا رضایتیها علیه رژیم سرکوب شدید و وحشیانه موجب رشد و گسترش

مجدد جنبش خود بخودی توده‌ها گشت . مبارزات توده‌ای و کارگری جزیرخی تک جوشهای جرقه‌وار

تا او خرسال ۶۲ در سطح کشور عمدتاً در اشکال غیرفعال نظیر طومار نویسی، عریضه نویسی، مراجعه به

مقامات دولتی و ... متجلی میشد . از او خرسال





### جنبش انقلابی خلق کرد و...

دنا ساله از صفحه ۹

جدیدی برای ادامه مبارزه بصورت فعال بوجود آورده است. مردم خواستار خودمختاری هستند و همچنان از نیروهای رزمنده پشتیبانی میکنند و به آنها یاری میرسانند و مقوف پیشمرگ نیرومند است و تفنگی که بر زمین می افتد، دستهای برای گرفتن آن دراز می شود.

وضعیت جنبش سراسری تا شیراز مستقیم‌بیر جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد بر جای گذاشته و متقابلاً آن تا شیراز پذیرد، بدون در نظر داشتن وضعیت جنبش سراسری و تناسب واقعی نیروهای طبقه‌ای در سطح کشور نمیتوان تا کتیکهای مرحله‌ای را بدرستی در کردستان تعیین نمود. فقدان جنبش آشکار و انقلابی در سایر نقاط کشور فشار رژیم را در کردستان افزایش داده و جنبش مقاومت را در وضعیت تدافعی قرار میدهد. اینکه رژیم عملیاتواسته است طی چهار سال اخیر بتدریج مناطق آزادشده را محدودتر ساخته و با شغال خود درآورد و شکل عمده جنگ از جبهه‌ای به پارتیزانی تحول یافته، خود از وضعیت عمومی جنبش سراسری توده‌ای و تناسب واقعی نیروهای طبقه‌ای در سطح کشور ناشی میگردد که سودا در تاج حاکم بوده است.

کردستان بنا به مجموعه شرایط و ویژگیها بیش بصورت پایگاه انقلابی باقی مانده و جنبش انقلابی توده‌ای در آنجا تداوم یافته است. حفظ این پایگاه انقلابی اهمیت مبرمی برای مبارزات سراسری در ایران و گسترش و تعمیق مبارزات ملی-دمکراتیک خلق کرد را در و شرکت در مبارزه انقلابی و جنبش مقاومت مسلحانه در کردستان و وظیفه تمامی نیروهای انقلابی بخصوص کمونیستهاست. بدون شرکت مستقیم در مبارزات خلق کرد نمیتوان در جهت تامین حقوق خلقها گامهای موثری برداشت. از اینرو در حالیکه خصلت تا کتیکها در شرایط کنونی در ارتباط با سطح رشد مبارزه طبقه‌ای در اکثر نقاط ایران درجهت سازماندهی مبارزات توده‌ها و تدارک برای اعتلا نوین انقلابی است. در کردستان شرکت در مبارزه توده‌ای آشکار و انقلابی و مسلحانه با هدف حفظ پایگاه انقلابی در کردستان و سازماندهی این جنبش انقلابی، باید در دستور کار سازمانهای انقلابی و مترقی قرار گیرد.

با آغاز اعتلا انقلابی در جنبش سراسری خصلت تا کتیکها در کردستان نیز تغییر یافته و تعرض انقلابی برای سرنگونی در دستور قرار خواهد گرفت. سازمان با درک این ضرورت در جنبش مقاومت خلق کرد شرکت نموده و در جهت تقویت مقوف مبارزات عادلانه آن و همگامی با نیروهای انقلابی و مترقی در این جنبش و پیوند مبارزات ملی-دمکراتیک خلق کرد با جنبش سراسری ایران، تلاش و مسازره می کنند.

...

می گردد.

با بررسی علمی روندهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی میتوان گرایش عمومی سر روند تحولات را مشخص ساخت و هنگام بیدار شدن جنبش تحولی در جنبش که در مبارزات توده‌ها بطور عینی متجلی می-گردد، تا کتیکهای خود را با آن منطبق کرد و از هم اکنون در این راستا تدارک دید.

بررسی روند عینی مبارزات توده‌ای نشان میدهد که این مبارزه هنوز شکل آشکار و انقلابی کسب نکرده و جنبش توده‌ای هنوز جنبش آشکار و انقلابی معطوف به کسب قدرت سیاسی نیست. نارضایتی و مبارزات توده‌ها گسترش می یابد و توده‌ها خواستار سرنگونی رژیم هستند، لیکن هنوز در خودتوان سرنگون کردنش را نمی بینند و قدم بمیدان مبارزه و نبرد مرگ و زندگی و سرنوشت ساز برای بگوسیردن رژیم نینهادده اند. اثبات شده قدرت و نارضایتی توده‌ها زمانیکه زندگی بشیوه کنونی دیگر برایشان کاملاً غیر تحمل گردید، آنان را بطور مسترده به عرصه نبرد انقلابی و آشکار خواهد کشاند. همچنانکه در زمان سلطه رژیم مونا رکوف اشتیاقی ناشی از جنبش عرصه‌ای گام نینهادند.

جامعه ایران آستان تحولات انقلابی است و سررویدادهای در جهت بروز اعتلا انقلابی نوینی در جنبش توده‌ای به پیش میرود و انقلاب نوینی را در چشم اندازی پیش روی داریم. خصلت عمومی تا کتیکهای ما سراسری است و وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه، موقعیت عینی جنبش توده‌ای و سیر تحول آن می باید سازماندهی و گسترش مبارزات توده‌ای ارتقاء سطح و شکل آن و تدارک برای اعتلا انقلابی در جهت سرنگونی رژیم باشد.

تا کتیکهای ما تا زمان آغاز اعتلا انقلابی در جنبش توده‌ای دارای خصلت تدارک برای اعتلا انقلابی است. هنگامیکه جنبش توده‌ای متحول گردید و اعتلا انقلابی آغاز شود، تا کتیکهای ما نیز متناسب با تغییرات عینی در جنبش توده‌ای تغییر یافته و خصلت تعرض انقلابی خواهد داشت.

تجربه انقلاب بهمین علیرغم شکست خود، در سایر گرانپهای را برای کمونیستهای میهنمان با رمان آورد. در سهایی که بی توجهی به آنها این بار نیز ما را با عدم موفقیت روبرو خواهد ساخت. با ایدای تمامی توان خویش در جهت تدارک برای اعتلا انقلابی آنی تلاش کنیم. در این زمینه هنوز کارهای بسیاری وجود دارد که انجام نشده باقی مانده اند. در این شرایط خطیر و حساس وظایف سنگینی بردوش تمامی ما رکسیست - لنینیست های انقلابی قرار دارد. - کوشش برای استقرار در جنبش کارگری، سازماندهی مبارزات کارگران و سایر زحمتکشان، کوشش برای وحدت نیروهای مارکسیست - لنینیست حول برنامه و مشی انقلابی و ایجاد مرکز نیرومند کمونیستی، کوشش برای اتحاد تمامی نیروهای انقلابی در جبهه دمکراتیک و انقلابی و پایان دادن به تفرقه در میان نیروهای انقلابی و وظیفه بلند رنگ هر نیروی کمونیستی و بخش مهمی از وظایف آنها در تدارک برای انقلاب است.

۶۲ و اوائل سال ۶۳ مبارزات توده‌ای و بخصوص کارگری شکل فعالتری بخود میگردد. اعتصابات متعدد کارگری بالغ بر ۱۵ مورد که در مواردی حتی رژیم را وادار به عقب نشینی در مقابل مبارزات کارگران و دادن امتیازها ساخت، نشان بارز این تحول در جنبش کارگری و توده‌ای است. خواست های مطرح شده کارگران عمدتاً دارای مضمون صنفی-اقتصادی بوده است.

پراکندگی و خود بخودی بودن مبارزات کارگری و توده‌ای خصوصیت برجسته مبارزات این دوره است، نیروهای سیاسی عمل‌انگش موثر و مستقیم در سازماندهی و هدایت این جنبشهای خود بخودی نداشتند.

مبارزات کارگران بلحاظ تداوم و گستردگی خود، طی این دوره جایگاه ویژه‌ای در مجموع مبارزات توده‌ای داشت که نشان پیشتازی کارگران در جنبش توده‌ای است.

مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش در سال ۶۴ تداوم یافته و همچنان روبه گسترش است و سرکوب و وحشیانه نیز قاندر نیست مانع جریان یافتن مبارزات توده‌ای شود.

توهم توده‌ها نسبت به رژیم در تجربه روز مسره سیاستهای ارتجاعی آن فروریخته و اعتقاد نا آگاهانه و پشتیبانی اکثریت توده‌ها از حکومت جای خود را به نفرتی عمیق از مرتجعین حاکم داده است. رژیم فاقد پایگاه در میان توده‌هاست و جزای طریق تکیه بر سرنیزه، زور و سرکوب قاندر به حفظ حاکمیت خویش نیست. از اینرو بی محایا مبارزات توده‌ها را سرکوب کرده و بیکولوله می بندد، زندانها را گسترش میدهد، دستگیری، شکنجه و اعدام را وسعت می بخشد.

لیکن سرکوب و وحشیانه روز بروز کارآئی خود را از دست میدهد، کارگران، دهقانان روز زحمتکشان پس از انقلاب نه تنها به خواستهای واقعی خود دست نیافته اند، بلکه سطح معیشتشان بدت سقوط کرده است. بیکاری گسترده، گرانی روز افزون، مصائب ناشی از جنگ ارتجاعی، محروم بودن از حقوق ابتدائی فردی و اجتماعی، اختناق و دیکتاتور بی سابقه زندگی طاقت فرسائی را برای تمامی زحمتکشان ببار آورده است.

تداوم و تعمیق بحران اقتصادی و ناتوانی رژیم در حل معضلات اقتصادی و اجتماعی جامعه را بسوی یک بحران عمومی میکشاند. فقر و فلاکت توده‌ها مدام افزایش خواهد یافت و موجب رشد و تشدید نارضایتیها و گسترش مبارزات توده‌ها خواهد گردید. تعمیق بحران اقتصادی، تشدید بحران سیاسی، رشد نارضایتی و مبارزات توده‌ها، چشم انداز بروز اعتلا نوین انقلابی و جریان یافتن مبارزات آشکار و انقلابی توده‌ای را فراروی ما قرار میدهد. اینکه اعتلا انقلابی چه زمانی فرا خواهد رسید و شکل بروز آن چگونه خواهد بود، مسئله ایست که تعیین دقیق آن از پیش ممکن نیست و تاریخ مشخص تعیین کردن برای آن از پیش غیر علمی ناشی



## جنبش انقلابی خلق کرد و ۰۰۰

توده‌های میلیونی و خلقهای تحت ستم با خواستهای گوناگون و تاریخی خویش در انقلاب، پس از انقلاب، میسر ازات توده‌ها برای دست یافتن به خواستهای خویش، که حاکمیت جدیدینا به ما هیت ضد انقلابی اش در پی تحقق این خواستها نبود، تداوم یافت. از جمله خواستهای خلقهای تحت ستم ایران، رفع ستم ملی و تحقق حق تعیین سرنوشت آنها بود. مسئله ملی مخصوص در کردستان بدلیل شدت ستم ملی و ویژگیهای جغرافیائی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و تاریخی برجستگی بسیار ریزی یافت و مبارزه ملیسی - دمکراتیک خلق کرد با اعتلا سی سابقه‌ای روسرو گردید.

بعد از انقلاب، انتظار خلق کرد این بود که حق تعیین سرنوشت خود را که سابقان متعادی برای آن مبارزه کرده و سرکوب شده بود، بدست بیاورد. هنوز رژیم شاه سقوط نکرده بود که مردم کردستان لباسهای تحمیلی را بدور افکندند و جاهای کردی که سابقا از پوشیدن آن محروم بودند در سرکردند و در میتینگها و تظاهرات سال ۵۷ سرود ملی خود را فریاد می کردند.

زمانیکه هنوز توده‌های وسیع در سراسر ایران نسبت به رژیم توهما شدند و در تریدید بود که آیا حاکمیت خواسته‌های آنان برآورده خواهد گردید یا نه و بطور کلی ما هیت واقعی رژیم برای آنان در بوته آزمایش و در تجربه عملی روزمره شان آشکار نشده بود، در کردستان خواست حق تعیین سرنوشت بصورت خودمختاری مطرح شد و عکس العمل رژیم در برابر آن بعنوان معیاری برای سنجش ما هیت تهر آمد. عکس العمل سرکوبگرانه رژیم، شناخت توده‌های خلق کرد نسبت به ما هیت ارتجاعی حاکمیت بیشتر کرد و آخرین توهما را فروریخت. خلق کرد در تشکلهای توده‌ای و صفوف احزاب و سازمانهای سیاسی متشکل شد و به مقاومت برخاست. رژیم هراسان از جنبش توده‌ها از یکطرف سرکوب و از طرف دیگر فریب را تا کتیک خود ساخت، اما وعده و وعیدهای دروغین رژیم در مقابل خواست مشخص خلق کرد نقش بر آب شد (نه میا نیگیری طالقانی و نه پیام خمینی در ۲۶ آبان ۵۸ هیچکدام نتوانست توده‌های خلق کرد را وادار نماید سلاحهایشان را زمین بگذارند و از خواستهای خود دست بکشند). در مقابل تا کتیک سرکوب نیز، مردم به جنگ متقابل و مقاومت توده‌ای دست زدند.

مردم کردستان با همه توان خود تلاش میکردند خواستهای خویش را به حکومت تحمیل کس کرده و از دستاوردهای انقلابی و دمکراتیک خویش در برابر یورش رژیم دفاع کنند.

برشهرها و دهات قانون انقلاب حاکم بود. تمام شهرها و روستاهای کردستان بوسیله خود مردم اداره می‌شد و حکومت هیچ نقشی در آن نداشت که نتایج درخشانی فراهم آورده بود. بعنوان نمونه در طول

شش ماه فاصله دو جنگ کردستان که حکومت با هئیت نمایندگی خلق کرد با صلاح در مذاکره بود، حتی یک مورد زدی در کردستان دیده نشد و موارد برخورد بین مردم بسیارنا در بود. در حالیکه همه مردم مسلح بودند.

مردم کردستان در حالیکه در مقابل مسائل عام جامعه ایران (نوع حکومت، انتخابات، قانون اساسی و...) حساسیت لازم نشان میدادند و همواره سرهمبستگی خود با دیگر خلقهای ایران تا کیسند می‌نمودند، خودمختاری را بصورت خواست سیاسی مقدم خویش مطرح می ساختند.

رژیم برای اعمال حاکمیت خود می‌بایست حاکمیت مردم کردستان را بزور ارتش و با سدا رولتگر کشی و سبازان آزاتها غصب کند. مردم بختیسی زندگی می‌کردند چرا که در محاصره افتما دی قرار داشتند. اما خرسند بود که خود سرنوشت ساز و تصمیم گیرنده خویش اند. مردم کردستان کوچک و بزرگ، شهر به شهر و جب به جب از حاکمیت خویش دفاع کردند و آنرا جزیه قیمت گرفتن هزاران کشته از دشمن و مقاومت تا آخرین حد توان از دست ندادند. رژیم شهرها را هر چند بقیمت ویران کردن، اما در مدت زمان کوتاه تری توانست اشغال کند چرا که دفاع از شهرها در مقابل بمبارانهای زمینی و هوایی رژیم و تلفات سنگین مردم بدلیل وضعیت خاص شهرها بسیار مشکل بود. از سال ۶۰ به بعد درگیریهای کردستان عمدتا به بیرون از شهرها کشیده شده بود. اما رژیم تا مدتها عملادر شهرها محاصره شده بود.

جنگ ایران و عراق و پیش آمدن ۳۰۰ هزار سربا نه‌ای بدست رژیم در دنا لشکر کشیایش را بیه کردستان وسعت دهد. قسمت عمده افرادی که ظاهرا برای جنگ ایران و عراق با سم بیجی جمع آوری می شدند برای جنگ کردستان فرستاده می شدند.

تا کتیک جنگ در کردستان ابتدای بود، مردم می خواستند صلح مسلح و خودمختاری را به رژیم تحمیل کنند و هنوز شعار سرنگونی بصورت عام، شعار همگانی نشده بود. اما زمانیکه رژیم هجوم خود را برای نابودی کامل جنبش مقاومت خلق کرد و محور آزادی و دمکراسی آغاز نمود و در سراسر ایران نیز به تمامای زمانهای مترقی و انقلابی و نپا دهسای دمکراتیک حمله کرد، مردم کردستان کاملاً به این امر پی بردند که قبول خودمختاری از ما هیت این رژیم بدو است و تنها راه رسیدن به حقوق خویش، نابودی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. آنگاه شعار سرنگونی رژیم توسط سازمانهای سیاسی طرح شد و در میان توده‌ها جای گرفت، استراتژی جنگ در کردستان را تغییر دادند و تا کتیکهای تعرضی بیشتر شد.

شکست انقلاب و رکود جنبش در سطح سراسری و تنها ماندن کردستان در مقابل رژیم، فشار را بر روی کردستان بیشتر کرد. نیروهای انقلابی و مترقی سراسری بیشتر متوجه منطقه آزاد شده در کردستان شدند چرا که بخوررت دفاع از مناطق آزادی کردستان پی بردند. کردستان آزاد، سنگر آزادی

ایران گردید. کردستان با ویژگیهای جغرافیائی و اقتصادی سیاسی و سنن خاص خود توانست مقاومت کند. رژیم هیچ نقطه‌ای را نمی توانست تصرف کند مگر اینکسب بهای آنرا بپردازد. مبارزه در کردستان همگانی است. توده‌های خلق کرده تمامای در این مبارزه شرکت دارند. مردم شهرها برای پیشمرگان بول و وسایل زندگی تهیه میکنند و از طرق مخفی برایشان می‌فرستند. به آنها اطلاعات می دهند و وقتی که پیشمرگان برای ضربه زدن به پایگاههای رژیم وارد شهری شوند، از آنها بگرمی استقبال می کنند. علیرغم جوتور و وحشت، مردم به درخواست نیروهای انقلابی منعی براعتصاب و تظاهرات و تحریم پاسخ مثبت می دهند. مردم روسیها میزبان همیشگی پیشمرگان هستند و آنچه در توان دارند در کمک به پیشمرگان دریغ نمی کنند. در مواقع درگیری بیشتر مردان که در نیروی دفاع خلقی سازمان داده شده‌اند، در کنار پیشمرگان می‌جنگند و بقیه همراهمان بشت جیبها را تدارک می کنند. بیشتر خانواده‌ها یک نفرشان و بعضیها چند نفرشان پیشمرگ است.

علیرغم سببیت رژیم، محاصره اقتصادی، کوچ اجباری، بیماریان و... مردم همچنان به صفوف نیروهای رزمنده می بیوندند. ترفندهای رژیم در رابطه با دادن کوین نفت و خوار و با رو تطبیع مردم به ضد خودش تبدیل شده است. رژیم شرط از میان برداشتن محاصره اقتصادی را تصرف منطقه از جانب ارتش و با سدا ران اعلام می کند، اما مردم تمایل نشان نمی‌دهند. حتی در جاها شیکه سه‌زور منطقه را تصرف کرده، مردم خوار و تری را که بدست می آورند با پیشمرگان تقسیم می کنند. برجست قانون انقلاب حاکم است. توراها ی دهات اداره کننده امور اجتماعی هستند، مصلحین انقلاب به نوا موزان درس می دهند. پیشمرگان از ازمیت آنها در مقابل تجاوز رژیم دفاع میکنند و کتا و رزان ما بختاچ روزمره مردم را تامين می‌کنند. آنچه را نیز که نمی‌توان در منطقه تهیه کرد، مردم شهرها از طرق مخفی به مناطق آزادی می‌رسانند.

در مدت شش سال گذشته رژیم با دادن تلفات بسیار توانسته است بیشتر مناطق آزادی را از کنترل پیشمرگان بدر آورد. اما برای حفظ خود محبوره ایجادش از دوهزار پایگاه نه‌ده است. با این وجود نتوانسته است مانع حضور نیروهای پیشمرگ در مناطق مختلف شود و از رفت و آمد آنان جلوگیری کند. پیشمرگان هنوز هم در شهرها به رژیم ضربه می زنند. در جا ده‌های گنا ر شهرها به کمین می‌نشینند و هر لحظه که راه را دهند و در هر نقطه از کردستان به رژیم شلیک می کنند.

گرچه طی این روند با توجه به وضعیت جیبی سراسری ایران، جنبش خلق کرد بتدریج در تدافع استراتژیک قرار گرفته است، اما مبارزه مسلحانه توده‌ای همچنان ادامه دارد و اشکال نوینی پیدا کرده است. جنگهای پارتیزانی امکان‌نا کتیک بقیه در صفحه ۸

**پیام سازمان آزادی‌کار ایران (فدائی)  
به حزب دمکرات کردستان ایران**

درودهای صمیمانه ما را به مناسبت چهلمین سالگرد تشکیل حزب دمکرات کردستان ایران بپذیرید. حزب دمکرات کردستان ایران، کسه دز ۲۵ کلویژ ۱۳۲۴ تشکیل گردید، نقش مهمی در مبارزات ملی - دمکراتیک خلق کرد ایفا نموده است. تحت رهبری حزب شما، خلق کرد توانست برای نخستین بار جمهوری خودمختار کردستان را ایجاد کند. هر چند عمر جمهوری خودمختار کردستان ۱۱ ماه بیشتر نبود و بدنبال عقب نشینی جنش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران، دیکتاتور توری نظامی وابسته به امپریالیسم شاه توانست با کشتار وحشیانه و قتل عام، محدود سلطه شوم خود را بر پهنه کردستان بگستراند، لیکن خاطره این بیروزی و مقاومت قهرمانان خلق کسرد در برابر یورش ارتجاع، هرگز از خاطره‌ها محو نگردد. پس از این شکست نیز خلق کرد لحظه‌های از مبارزه با زنیستا و همجنان به مبارزه عادلانه‌اش برای کسب حقوق ملی دمکراتیک خویش ادامه داد. مبارزات برحق و عادلانه خلق قهرمان کرد، چه در دوران تسلط سلطنت ارتجاعی پهلوی و چه در زمان سلطه رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی، همواره نقش برجسته‌ای در جنبش سراسری خلقهای ایران داشته است.

مقاومت قهرمانان خلق کرد در برابر یورش‌های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی، که همچون رژیمهای گذشته از موضع شونیم فارس دشمن حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران است، کردستان را به سنگر تسخیرناپذیر و بیابانگه استقلال‌طلبی ایران تبدیل کرده است. حزب دمکرات کردستان ایران، کد اینک بار عمده رهبری جنبش مقاومت خلق کرد را بردوش دارد، در طول چهل سال حیات خود، همواره در سنگر جنبش ملی-دمکراتیک خلق کرد قرار داشته و با رژیمهای ارتجاعی مبارزه کرده و پیوندی تاریخی با مبارزات ملی خلق کرد دارد. نبردهای قهرمانانه پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان ایران طی شش سال و نیم گذشته، سهم بسزائی در شکست یورشهای ارتجاعی رژیم برای در هم شکستن جنبش مقاومت خلق کردها داشته است. توده‌های خلق کرد، طی سال‌های طولانی مبارزه و بویژه در سایه مبارزات گسترده سال‌های اخیر، بخوبی ضرورت اتحاد دو همبستگی خلقهای سراسر ایران را در مبارزه برای رهایی از یقه‌ستم و کسب آزادی دریافته‌اند. مبارزه با شونیم فارس و ناسیونالیسم تنگ نظرانه و دفاع از حسیق مسلم خلقهای ایران در تعیین آزادانه سرنوشت خویش، شرط ضرورت عمیق و گسترش مبارزه ملی - دمکراتیک خلق کرد و تحکیم اتحاد و همبستگی تمامی خلقهای ایران می‌باشد.

مبارزات خلق کرد، اکنون یکی از حساسترین و دشوارترین شرایط خود را از سر می‌گذرانند. در چنین شرایطی، همکاری و اتحاد عمل نیروهای شرکت کننده در جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش سراسری خلقهای ایران اهمیت روز افزونی کسب میکند. گرایشاتی که به تفکر در میان نیروهای انقلابی و مترقی دامن زده و در کربهای غیر ضروری را بر نیروها تحمیل می‌کنند و ضرورت اتحاد دو همگامی نیروهای سیاسی شرکت کننده در جنبش عادلانه و درگیر در نبرد علیه خصم مشترک را نادیده می‌گیرند، عملدرراستی تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد کام بر می‌دارند. کوشش در جهت ایجاد مناسبات سالم و اصولی بین نیروهای مترقی و انقلابی و گسترش همکاری و اتحاد عملها، اهمیت بسیار مبرمی دارد و ما به سیم خود در این جهت تلاش می‌کنیم. ماضن تا کید بر حق مسلم خلق کرد و سما می خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش و ضرورت گسترش همکاری و اتحاد عمل بین حزب دمکرات کردستان ایران و ارمان ما، از مفاومت و مبارزه دلیرانه پیشمرگه‌های قهرمان و مبارزات شما در راستای کسب حقوق ملی - دمکراتیک خلق کسرد، پشتیبانی نموده و بی‌ایمان بیروزی و موفقیت هر چه بیشتر آرزوی کنیم. سازمان آزادی‌کار ایران (فدائی)

۱۳۴۴/۵/۹

**خیمه شب بازی انتخابات**

مدتهای مدیدی است که دیگر رژیم قسرون وسطائی جمهوری اسلامی پایگاه در بین اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان ندارد. به موازات هر چه بیشتر عمیق‌تر شدن نفرت مردم نسبت به رژیم و نظم موجود، سردمداران حاکمیت ترور و وحشت سعی می‌کنند با راه اندازی خیمه شب بازی، وانمود سازند که همچنان در بین "ارتش ۳۶ میلیونی" اعتبار دارند و "امت همیشه در صحنه" به نفع آنها لیبیک خواهد گفت، تا بدین وسیله هم توده‌ها را مرعوب سازند و هم توجه محافل امپریالیستی و ارتجاعی را بخود جلب کرده و خود را با ثبات نشان دهند. چها رمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، نمونه دیگری است از بکارگیری شیوه عوام فریبانه رژیم برای نشان دادن قدرت خویش و اثبات همراهی و همکاری توده مردم با آن !!

این بار، با وجود اینکه از مدتها قبل از انتخابات، رژیم کلیه امکانات تبلیغاتی و تدارکاتی اش را به مدد گرفته بود، با خالی بودن غالب حوزه‌های اخذ رای در روزهای گیری و حضور تعداد انگشت شماری در طول غترین ساعات روز، نتوانست به خود جرات بدهد که از ۲۳ میلیون اوراق انتخاباتی جابجانه، حداقل همیزان دوره قبل، خودش را از صندوقها بیرون بکشد. محزولابه‌های خمینی، رئیس مجلس، نخست وزیر، وزیر کشور، اشمه جمعه و... هم کار ساز نشد و مردم با عدم شرکت در

انتخابات فرمایشی و کدائی اخیر نشان دادند که کلیت رژیم موجود رانگی می‌کند. عدم استقبال مردم از انتخابات در شرایطی که حتی شیبه اوراق عمومی نیازمند کوبن می‌باشد و بدون سانساسمه جمهوری به مراتب انتخابات، در بافت کارت حیره و کوبن آنها را با مشکلات عدیده مواجه می‌سازد و چه بسا خطراتی در پی داشته باشد، نشان دهنده بی ثباتی رژیم در بین توده‌ها و حرکت فعال آنها - هر چند در شکل منفی - در عرصه مبارزه علیه رژیم است. آتش انتخابات آنقدر شور شده که آتش هم صدایش در آمد. رژیم که انتظار داشت با چنین شکست فضاحت باری مواجه شود، خود نیز زیان به اعتراف گشود و به رفسنجانی ما موریت داد تا در خطبه نماز جمعه علت عدم شرکت مردم را توجیه کند و گنا ه شکست را به گردن فصل تابستان بیا نندازد. او گفت: "تا یذیکی از دلایل اینکه مقداری آرای ایمن انتخابات کمتر از گذشته بود نیز همین (فصل تابستان) که مردم در سفر هستند" است.

انتخاب سید علی خامنه‌ای پیشاپیش بر همگان معلوم بود، چرا که از ه نفر کارکنان ریاست جمهوری، ۴۲ نفر توسط شورای نگهبان فاقد صلاحیت تشخیص داده شدند و دو نفر دیگر، یعنی محمود مصطفوی کا شانی فاقد نام و نشان بود و دیگری یعنی حبیب الله عسکرا ولادی آنقدر در نزد توده‌ها منفور بود که ملقب به "مرد آهن خوار" می‌باشد. خودشان نیز می‌دانستند و لذا از حتمی خود نداده و چندان تبلیغاتی هم نگردند و رفسنجانی نیز حتی به این

آدرس پستی:

**N. REZAIÉ**  
**B. P. NO. 270**  
**75624 PARIS CEDEX 13**  
**FRANCE**

**پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر**